

مسئله اذن پدر در ازدواج دختر

شهید مرتضی مطهری در کتاب نظام حقوقی زن در اسلام درباره اجازة پدر در ازدواج دختران اینگونه توضیح می‌دهد: مسئله‌ای که از نظر ولایت پدران بر دختران مطرح است این است که آیا در عقد دوشیزگان - که برای اولین بار شوهر می‌کنند- اجازه پدر نیز شرط است یا نه؟

از نظر اسلام چند چیز مسلم است:

پسر و دختر هر دو از نظر اقتصادی استقلال دارند. هر یک از دختر و پسر اگر بالغ و عاقل باشند و به‌علاوه رشید باشند، یعنی از نظر اجتماعی آن اندازه رشد فکری داشته باشند که بتوانند شخصا مال خود را حفظ و نگهداری کنند، ثروت آنها را باید در اختیار خودشان قرار داد. پدر یا مادر یا شوهر یا برادر یا کس دیگر حق نظارت و دخالت ندارد.

مطلب مسلم دیگر مربوط به امر ازدواج است. پسران اگر به سن بلوغ برسند و واجد عقل و رشد باشند، خود اختیاردار خود هستند و کسی حق دخالت ندارد، اما دختران: دختر اگر یک بار شوهر کرده است و اکنون بیوه است، قطعاً از لحاظ اینکه کسی حق دخالت در کار او ندارد، مانند پسر است و اگر دوشیزه است و اولین بار است که می‌خواهد با مردی بیمان زناشویی ببندد، چطور؟

در اینکه پدر اختیاردار مطلق

اونیست و نمی‌تواند بدون

میل و رضای او، او را به هرکس که دلش می‌خواهد شوهر بدهد، حرفی نیست. چنانکه دیدیم پیغمبر اکرم(ص) صریحاًدر جواب دختری که پدرش بدون اطلاع و نظر او، او را شوهر داده بود، فرمود: اگر مایل نیستی می‌توانی با دیگری ازدواج کنی. اختلافی که میان فقها هست در این جهت است که آیا دوشیزگان حق ندارند بدون آنکه موافقت پدران را جلب کنند ازدواج کنند یا موافقت پدران به هیچ وجه شرط صحت ازدواج آنها نیست؟

البته یک مطلب دیگر نیز مسلم و قطعی است که اگر پدران بدون جهت

از موافقت با ازدواج دختران خود امتناع کنند، حق آنها ساقط می‌شود و

دختران در این صورت- به اتفاق همه فقهای اسلام- در انتخاب شوهر آزادی مطلق دارند.

راجع به اینکه آیا موافقت پدر شرط است یا نه، چنانکه گفتیم میان فقها اختلاف است و شاید اکثریت فقها خصوصاً فقهای متأخر موافقت پدر را شرط نمی‌دانند ولی عده‌ای هم آن را شرط می‌دانند. قانون مدنی ما از دسته دوم- که فتوای آنها مطابق احتیاط است- پیروی کرده است. چون مطلب یک مسئله مسلم اسلامی نیست، از نظر اسلامی درباره آن بحث نمی‌کنیم ولی از نظر اجتماعی لازم می‌دانم در این باره بحث کنم. به علاوه، نظر شخصی خودم این است که قانون مدنی از این جهت راه صوابی رفته است.



واکاوی سیمای جمعیتی کشور در آستانه روز ملی جمعیت در گفت‌وگو با پژوهشگر حوزه جمعیت

نیازمند پیوست رسانه‌ای برای قانون جمعیت هستیم

وقتش رسیده مدیرانی که از تکالیف قانونی خود در حوزه جمعیت استنکاف می‌کنند، تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند

سیمای جمعیتی کشورمان همچنان خوب نیست. آمار نشان می‌دهد سال ۱۴۰۱ کمترین رشد جمعیت کشور را تجربه کردیم و نرخ رشد جمعیت به ۰/۱۶درصد رسید. از سوی دیگر آمارهای سالمندی هم رو به افزایش است و تحلیل این وضعیت نشان می‌دهد انگار نه‌انگار بعد از سال‌ها در حوزه حمایت از خانواده و جمعیت صاحب قانون شده‌یم و بعد از سال‌ها مسئله جمعیت متولی پیدا کرده و سازوکار و دبیرخانه دارد اس‌راغ کارشناسان که می‌روید متوجه می‌شوید فقط ۲۵ تا ۳۰درصد از قانون جوانی جمعیت اجرایی شده و اصولاً بخشی از چالش جمعیتی کشور در خود این قانون است که به تعبیر صالح قاسمی، پژوهشگر حوزه جمعیت و خانواده اگر چه قدم اول خوبی است اما این قانون به تنهایی نمی‌تواند گرهی از چالش جمعیتی کشورمان باز کند و ما را از سقوط در سیاهچاله جمعیتی نجات دهد. در چنین شرایطی است که اگر به زودی اقدامی نشود و دستگاه‌های اجرایی و نظارتی به وظایف خود در قبال اجرای قانون جوانی جمعیت عمل نکنند، این قانون اعتبارش را از دست می‌دهد و به ضد خود تبدیل می‌شود. همچنان که هم اکنون دبیرخانه ستاد ملی جمعیت به یک مجموعه خنثی، ناکارآمد و بی‌تأثیر در فرایند مدیریت جمعیت تبدیل شده است. اینها خلاصه‌ای از میاچشی است که در گفت‌وگو با صالح قاسمی، پژوهشگر حوزه جمعیت پیرامون آن صحبت کرده‌ایم.

■ ■ ■

همانطور که می‌دانید در آستانه روز ملی جمعیت هستیم و حدود ۵/۵سال از اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می‌گذرد. آمارها نشان می‌دهد در خصوص بحث جمعیت همچنان خیلی وضعیت خوبی نداریم. از نگاه شما به عنوان کارشناس و فعال حوزه جمعیت با عنایت به بلاغ و اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، آیا وضعیت جمعیتی کشور بهتر شده است یا خیر؟

بله ما در آستانه هفته ملی جمعیت و روز ملی جمعیت هستیم. ۳۰دردیبهشت ماه روز ملی جمعیت است و این نهمین سالروز بلاغ سیاست‌های جمعیتی است. حدود ۱/۵سال از تصویب و بلاغ قانون جوانی جمعیت می‌گذرد و آنچه شاخص‌های جمعیت‌شناسی به ما می‌گوید، وضعیت‌مان خوبی نیست. در آخرین سالی که پشت سر گذاشتیم، یعنی ۱۴۰۱ نرخ رشد جمعیت به ۰/۱۶درصد رسید و روند کاهشی داشته است. نرخ باروری نیز به ۱/۶درصد به ازای هر زن رسیده و کاهشی است. از سوی دیگر آمارهای سالمندی را داریم که نرخ سالمندی به بیش از ۱۱/۵درصد و قریب ۱۲درصد افزایش یافته است. تعداد مولود هم در سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۴هزار نفر کاهش را تجربه کرده است. در واقع وضعیت جمعیتی کشور شرایط خوبی ندارد و این روند کاهشی همچنان ادامه دارد.

طبق آنچه شما با آینه آمار ارائه دادید، تمام شاخص‌های جمعیتی کشورمان در وضعیت نامناسبی قرار دارد. چرا با وجود تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت همچنان با چنین شرایطی در خصوص مسئله جمعیت کشورمان مواجهیم؟ آیا این مسئله ناشی از اجرایی نشدن یا اجرای بد قانون جوانی جمعیت است یا اصلاً چالش اصلی در خود قانون است و این قانون، قانون خوبی نیست؟

آمارها و وضعیت جمعیتی کشورمان حاکی است اهداف سیاست‌ها و قانون هنوز محقق نشده است. من تحلیل این روند را در فاکتورهای متعددی می‌بینم؛ کافی نبودن و غیر جامع و غیر دقیق بودن قانون جوانی جمعیت!



قانون داریم، به دلیل اجرای ناقص و برخی نواقص خود قانون، با تعمیم چالش‌های جمعیتی مواجهیم. آیا این مسئله اعتبار قانون جوانی جمعیت، را نزد عامه مردم تنزل نمی‌دهد و در صورت این تنزل اعتبار وی اعتمادی می‌توانیم رویکرد و قانون دیگری را در این زمینه جایگزین کنیم؟

من شدیداً اعتقاد دارم اگر این قانون طی دو سال آینده به بیش از ۶۰درصد اجرا نرسد، تبدیل به ضد خودش

که در این رابطه می‌شود پیگیری کرد.

ما با افزایش تولد فرزندان سوم و چهارم در خانواده‌ها مواجهیم، آیا این مسئله نشان‌دهنده بحران ازدواج در شکل گیری بحران جمعیت نیست؟ به این معنا که خانواده‌های موجود برای افزایش فرزندآوری جمعیت منتهی شده است؟

بنده قائلم و بارها عرض کرده‌ام که موضوع جمعیت فاکتورها و متغیرهای بسیار متعددی دارد که ازدواج یکی از آنهاست و تحلیل و رابطه یک‌سویه انحصاری، بین ازدواج و فرزندآوری تحلیل‌غلطی است، بنابراین فکر می‌کنم در موضوع نقش ازدواج بر رشد جمعیت باید در سطح و سهم خودش برایش سهم قابل‌باشیم. اما اینکه تمایل خانواده‌ها به داشتن فرزند سوم و چهارم افزایش پیدا کرده، من گمان می‌کنم بخشی از این، نتیجه کار مجموعه‌های مردم‌نهاد است که درصدد باز کردن گره‌های ذهنی و پاسخ به شبهات رایج در جامعه هستند. بخشی دیگر حالتی از امید است که می‌تواند به خاطر فضایی که قانون جوانی جمعیت ایجاد کرده، باشد که عرض کردم اگر قانون به درستی اجرا نشود، این فضای امید از دست خواهد رفت. بخش دیگر رشد فرزند سوم و چهارم در خانواده‌ها هم این است که جمع‌کنثری از مولود دهه ۶۰ در بازه پایانی زمین باروری قرار گرفته‌اند و اگر این فرصت پایانی باروری را از دست بدهند، دیگر امکان فرزند دار شدن نخواهند داشت، لذا با تحلیل خودشان از آخرین فرصت باروری‌شان استفاده می‌کنند، لذا این را نمی‌توانیم خیلی به پای



موضوع جمعیت فاکتورها و متغیرهای بسیار متعددی دارد که از دواج یکی از آنهاست و تحلیل و رابطه یک‌سویه انحصاری، بین ازدواج و فرزندآوری تحلیل‌غلطی است، بنابراین فکر می‌کنم در موضوع نقش ازدواج بر رشد جمعیت باید در سطح و سهم خودش برایش سهم قابل‌باشیم

ما تا همین ۵/۵سال پیش قانونی برای حمایت از جوانی جمعیت نداشته‌ایم و حال‌ا هم که

تولد ۳۸هزار دوقلو و چندقلوی ایرانی در سال ۱۴۰۱

آخرین آمارهای سازمان ثبت احوال حکایت از تولد ۳۸هزار دوقلو و چندقلوی ایرانی در سال ۱۴۰۱ دارد که تهران با تولد ۶هزار چندقلو بیشترین سهم از این آمارها را دارد و پس از آن خراسان رضوی، خوزستان و اصفهان بیشترین چندقلوهای ایرانی را در خود جای داده‌اند. بر اساس بانک اطلاعاتی انجمن

اجرای قانون بیمه زنان روستایی ۳ فرزند

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده گفت: اجرای قانون بیمه زنان روستایی دارای سه فرزند آغاز شده و اگر در جایی این قانون اعمال نمی‌شود، مراتب را اعلام کنید. انسیه خزعلی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در نشست فعالان حوزه زنان و خانواده با تأکید بر نقش فرهنگ‌سازی اظهار داشت: مسائل فرهنگی و تغییر نگرش فرهنگی در همه امور مرتبط با سبک زندگی نقش

ارائه خدمت ماما به مادر و نوزاد، سبب کاهش مرگ‌ومیر هر دو می‌شود

مدیر گروه مامایی معاونت درمان وزارت بهداشت گفت: هرچه خدمات مراقبتی اختصاصی‌تر می‌شود، همکاری حرفه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به گفته بابایی، مدیر گروه مامایی معاونت درمان وزارت بهداشت شواهد علمی ارائه‌شده توسط سازمان جهانی بهداشت، بیانگر این است که ماماها با ارائه مراقبت به مادر و نوزاد می‌توانند مرگ‌های مادری، مرده‌های و مرگ‌های نوزادی را کاهش دهند و در کنار تأثیر بر کاهش

مورتالیتی و موربیدیتی، توانسته‌اند بر ۵۰شاخص بهداشتی دیگر نیز تأثیر مثبت بگذارند. با توجه به اینکه شاخص‌های سلامت مادر و نوزاد به عنوان شاخص توسعه‌ای کشور و تعهدات بین‌المللی و ملی مهم بوده است، بنابراین اهمیت تعامل حرفه‌ای و همکاری مطلوب و احترام و اعتماد متقابل اعضای تیم ارائه‌دهنده مراقبت‌ها و خدمات بارداری و زایمان، دوچندان می‌شود.

توفیق قانون جوانی جمعیت بنویسیم. اگر چه یک فرصت است و مجموع این افزایش تمایل به فرزند سوم و چهارم معنایش این است که خانواده ایرانی همچنان یک خانواده فرزندخواه و فرزنددوست است که اگر ما درست عمل کنیم، می‌توانیم روی تغییر نگرش و الگوی فرزندآوری این خانواده هوشمند حساب کنیم.

برای رفع چالش ازدواج چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟

طبق آنچه قبلاً هم عرض کردم، ازدواج مهم است و سهم اثرگذاری در موضوع فرزندآوری هم دارد اما همه مسئله جمعیت ازدواج نیست و حتماً باید موضوع ازدواج و چالش و تجرد و آمار آن فکر کرد، اما اینکه همه فعالان در حوزه جمعیت به سمت فعالیت در حوزه ازدواج بروند، این را یک راهبرد نادرست و ناقص می‌دانم. بنده فکر می‌کنم در حال حاضر مهم‌ترین قدم این است که قانون جوانی جمعیت به بیش از ۶۰درصد اجرا برسد و این نمی‌شود مگر با چند الزام.

و این الزامات چیست؟

نخست، مطالبه عمومی مردم برای اجرای قانون، دوم، مسئولیت‌شناسی، مسئولیت‌پذیری مدیران کشور و عدم سهل‌انگاری و ساده‌اندیشی در موضوع جمعیت و سوم ورود و مطالبه‌گری و نظارت دستگاه‌های نظارتی. در واقع دستگاه‌های نظارتی از جمله مجلس، سازمان‌های بازرسی و سایر دستگاه‌های نظارتی باید به درستی به وظایف و تکالیف‌شان عمل کنند.

طبق ماده ۱۷ حمایت از خانواده و جوانی جمعیت برای اجرای این قانون، ضمانت اجرایی کیفری پیش‌بینی شده است، از جمله اینکه مدیران دستگاه‌های دولتی و غیردولتی که از اجرای این قانون استنکاف کنند، به مجازات‌هایی محکوم شوند. با عنایت به گزارشات آمار ی و عیان شدن کم‌کاری‌های صورت گرفته در این خصوص آیا دستگاه‌های نظارتی نباید برای اجرای این تکلیف قانونی اقدام و مدیران مستنکف را مجازات کنند؟

فکر می‌کنم اکنون تولد فرزند چند مدیر از مدیرانی که از تکالیف قانونی خود در حوزه جمعیت استنکاف می‌کنند، تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند و این مسئله رسانه‌ای شود تا مدیران دیگر بفهمند وقتی قانون تکلیف ایجاد می‌کند، آنها حق ندارند سلیقه‌ای رفتار کنند. اگر این اتفاق بیفتد و قانون به بیش از ۶۰درصد از اجرا برسد، در آن صورت است که راه برای فرهنگ‌سازی و اصلاح الگوی فرزندآوری باز می‌شود. من فکر می‌کنم امروز مسیر فرهنگ‌سازی تا حدودی بسته است، چون موانع اولیه اقتصادی از پیش پای جوان‌ها برداشته نشده و از این بابت مطالبه اجرای قانون و عمل به وظیفه نظارتی دستگاه‌های نظارتی، بسیار تعیین‌کننده است که در این فرصت بر اساس ماده ۱۷ قانون جوانی جمعیت باید اجرایی شود.

و کلام پایانی...

نکته پایانی من این است که فکر می‌کنم موتور محرک و قوه عاقله مدیریت جمعیت کشور، یعنی ستاد ملی جمعیت، امروز متأسفانه ناکارآمد شده است. به رغم اینکه یک‌سال‌وچندماه بیشتر از به وجود آمدن این ستاد ملی و انتصاب دبیر آن نگذشته است، اما ظاهراً این ستاد به یک مجموعه خنثی، ناکارآمد و بی‌تأثیر در فرایند مدیریت جمعیت تبدیل شده است. این خودش به‌نظم یک موضوع مطالبه‌است، باید از دبیر ستاد بعد از یک‌سال‌ورخده‌ای مدیریت دبیرخانه ستاد ملی جمعیت مطالبه‌شود که امروز نتیجه و پرونده‌این ستاد برای موضوع جمعیت چیست؟ من فکر می‌کنم این ساختارها خودشان نه فقط مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه مشکلی بر مشکلات اضافه می‌کنند.



در ستایش مادران خانه‌دار

کتاب «در ستایش مادران خانه‌دار» نوشته لورا شلسیسینگر، به توصیف و تحسین مادران موفق کسه پرورش فرزندان‌شان را در اولویت زندگی قرار می‌دهند، می‌پردازد. در ستایش مادران خانه‌دار (In Praise of Stay-at-Home Moms) به شکلی تمام‌عیار مادران خانه‌دار را تمجید می‌کند، البته مادرتی را که تمام وقت کار می‌کنند، نادیده نمی‌گیرد. این کتاب حتی درباره برتری‌های کودکانی که در آغوش پر مهر مادر پرورش می‌یابند، نسبت به آنان که در مهد کودک‌ها یا به وسیله پرستارهای منزل نگهداری می‌شوند نیز صحبت نمی‌کند.

نیمی از زنان بر این عقیده‌اند که یک پرستار یا مربی مهد کودک می‌تواند جایگزین‌شان شود. چنین در بطن مادر به وجود می‌آید، ۹ماه از بدن او و سپس با شیرش تغذیه می‌کند، صدای مادر از هر صدای دیگری در این دنیا برایش آشناتر است، پس چگونه می‌توان باور داشت که آغوش بوسه، خنده، نوازش، حرارت و زمزمه‌های مادر با اعمال روزمرای مانند تغذیه و عوض کردن پوشک جایگزین شود؟

دکتر لورا شلسیسینگر (Laura Schlössinger)، مشاور مسائل خانوادگی و ازدواج و جزو ۱۰ نویسنده کتاب‌های پرفروش نیویورک تایمز است. وی پر مخاطب‌ترین برنامه را در بیش از ۲۵ ایستگاه رادیویی بین‌المللی دارد. او در این کتاب به تحسین مادران خانه‌داری پرداخته است که پرورش فرزندان را در اولویت زندگی‌شان قرار داده‌اند.

وی به این موضوع که هویت زنان فقط با شغل‌شان تعریف می‌شود، هیچ اعتقادی ندارد. در این کتاب، تجربیات مختلفی از مادران خانه‌دار می‌خوانید که همه به نوعی آموز هستند. همچنین به تأثیر مثبت در خانه ماندن مادر برای فرزندان و همسر نیز اشاره شده و توصیه‌های مفیدی برای زنانی که می‌خواهند مادران خانه‌دار موفقی شوند و پدرانی که با یاد به همسران‌شان در این زمینه کمک کنند، ارائه شده است.

نویسنده این اثر قصد ندارد به خانمی بگوید باید چه کار کند تا زندگی‌اش رضایتمند، هیجان‌انگیز و هدفمند شود مطمئن است روش‌های زیادی برای ایجاد رضایت فردی وجود دارند. او هیچ‌گاه نخواست‌ه به زنی بگوید که در خانه‌بیش از هر جای دیگری روی کره زمین به وجودش احتیاج است، زیرا نمی‌خواهد اگر انتخابش کاری تمام‌وقت است، احساس گناه کند و هیچ‌گاه به بانویی نمی‌گوید گرمی، حرارت، عشق و پرورشش که می‌تواند در خانه ایجاد کند، چه لذت، رضایت و آرامش بی‌انتہایی را برایش به ارمان‌خواه‌های آورد، زیرا ممکن است در نظر آنها فردی مهاجم به نظر برسد.

نه اشتباه نکنید، شلسیسینگر در این کتاب نمی‌خواهد کسی را محکوم کند، بلکه قصد دارد به شما این فرصت را دهد تا با زندگی خانواده‌هایی که مادری‌ای خانه‌دار دارند، بیشتر آشنا شوید و این حقایق را با تمام وجود احساس و درک کنید.

در بخشی از کتاب در ستایش مادران خانه‌دار می‌خوانیم:

وقتی پرستار، نوزاد را برای شیر دادن نزد شما می‌آورد، کاملاً آرام، دوست‌داشتنی و گرم‌سنه به نظر می‌رسد، اما حتماً هنگامی که به خانه برمی‌گردید، ورق‌های را که در بیمارستان تحویل گرفته‌اید، مطالعه کنید، زیرا درباره تغییر رفتار نوزاد در خانه اطلاعات مفیدی در اختیار قرار می‌دهد. از زمانی که ما به خانه رسیدیم، پسرم، گریه را سرداد و من اصلاً نمی‌دانستم مشکلش چیست تا بتوانم او را آرام کنم. در اینگونه مواقع حتماً تصاحی از افراد مختلف- مثلاً او را در ماشین بگذارید و بگردانید تا آرام شود (البته وقتی از شدت خستگی نمی‌توانید حتی چمدان‌تان را باز نگه دارید، باید جالبی به نظر می‌رسد)، از صدنلی‌های گهواره‌ای استفاده کنید (به‌نظم واقعاً مؤثرند) یا کیسه آب گرم و حتی موسیقی هم مناسبند- خواهید شنید. اما به کار بردن هیچ کدام، برای آرام کردن نوزاد من مؤثر نبود و به این نتیجه رسیدم که نمی‌توانم در تمامی لحظات، کاری کنم تا کودکم شاد و آسوده باشد.

برای زنی که رویارویی با مسائل و چالش‌ها به نوعی برایش آرزایی توانایی‌های جسمانی و ذهنی محسوب می‌شده، این تجربه که نمی‌دانم چه اتفاقی دارد می‌افتد اکنون باید چه کاری انجام دهد، به حد غیرقابل‌باوری، درمانده‌کننده است و من احساس حماقت، ناشایستگی و شکست می‌کردم و بدتر از همه می‌ترسیدم مامان بدی شوم.